

احمد رضا صدری روز‌هایی که بر ما می‌گذرد، تداعی‌گر سالروز مضروب شدن حسین‌ علاء در مراسم تر جم‌حیم سیدمصطفی کاشانی در مسجد سلطانی تهران است. این واکنش در پی اعلام سفر قریب‌الوقوع وی به بغداد برای امضای یک پیمان نظامی روی داد.مقال پی آمده، حاوی اشاراتی است در باب امضاکننده ایرانی این پیمان و ایضا پیامدهای سیاسی و نظامی این معاهده. مستندات این نوشتار بر تارنمای پژوهشکده مطالعات تاریخ معاصر ایران آمده است. امید آنکه محققان و عموم علاقه‌مندان را مقید و مقبول آید.

■ **از ۱۷سالگی، «تاشه» سفارت ایران!**

۶۶سال پیش در چنین روزهایی حسین علاء نخست‌وزیر وقت در پی از سرگذراندن تئوری نافرجام از سوی مظفرعلی ذوالقدر از اعضای جمعیت فدائیان اسلام برای امضای پیمان نظامی بغداد، عازم عراق شد. صرف‌نظر از محتوای این پیمان، جایگاه سیاسی امضاکننده آن نیز از اهمیتی بسزا برخوردار است. هم از این روی، مروری بر پیشینه این رجل پرسابقه تاریخ معاصر ایران در این مقام بهنگام می‌نماید. اسبه آل احمد، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران، زمانه و کارنامه علاء را به شرح ذیل روایت کرده است: «حسین علاء (معین‌الوزاره) در سال ۱۲۶۰ش در تهران متولد شد.وی فرزند عظیمه‌الدوله دختر مجدالملک سسینکی بود. و هما خانم عظیمه‌الدوله دختر مجدالملک سسینکی بود. علاء تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در لندن به اتمام رسانید و چون پدرش علاءالسلطنه وزیر مختار ایران در لندن بود، او را از ۱۷ سالگی به عنوان آتاشه سفارت ایران استخدام کرد. وی پس از مدتی، نایب سوم و نایب دوم سفارت شد. علاء همزمان با کار در سفارت در رشته حقوق دانشگاه لندن نیز تحصیل می کرد. پس از مشروطیت، علاءالسلطنه،وزیر خارجه فرزند خود میرزا حسین خان را به سمت رئیس کابینه وزارت خارجه منصوب کرد. وی به مدت ۱۰ سال در این سمت باقی بود تا ۲۷دی ماه ۱۲۹۶ که مستوفی‌الممالک به صدارت رسیده میرزا حسین خان معین‌الوزاره را به وزارت فوائد عامه منصوب کرد، او در کابینه مصمام‌السلطنه نیز دارای همین عنوان بود. در پاییز ۱۲۹۷، میرزاحسین خان به همراه هیئت اعزامی، ایران که متشکل از: وزیر خارجه، رئیس دیوان عالی تمیز و… بود برای کنگره صلح ورسای به اروپا رفت. پس از بازگشت، وزیر مختار ایران در اسپانیا و سپس وزیر مختار ایران در امریکا شد. پس از بازگشت از امریکا در انتخابات دوره پنجم مجلس شورای ملی شرکت کرد و به عنوان نماینده تهران وارد مجلس شد. در این دوره وی به همراه سیدحسین مدرس، تقی‌زاده و دکتر شمس‌الماهاده واحد مربوط به خلع احمدشاه از سلطنت واگذاروی حکومت موقت به رضا پهلوی را قبول نکرد و به آن رأی منفی داد!

پس از اتمام دوره نمایندگی مجلس شورا در سال ۱۳۰۶ کابینه مستوفی به وزارت فوائد عامه و تجارت منصوب شد و پس از مدتی از وزارت برکنار و به سفارت ایران در پاریس مأمور شد. حسین علاء طی سال‌های ۱۳۱۲ تا ۱۳۲۹، عهدهدار این مشاغل بود، ریاست اداره نظارت بر شرکت‌ها، ریاست اداره کل تجارت، وزیر تجارت در کابینه محمود در شورای امنیت، وزیر خارجه در کابینه منصورالملک، همچنین وزیر امور نماینده ایران در جامعه اتفاق ملل بوده است. پس از ترور رزم‌آرا در نیمه اسفند ۱۳۲۹، مجلس شورای ملی به نخست‌وزیری علاء ابراز تمایل کرد و علاء مأمور تشکیل کابینه شد، ولی به علت ضعف در حل بحران نفت در اردیبهشت ماه استعفا کرد و مجدداً به وزارت دربار بازگشت، وی مجدداً در دی ماه ۱۳۳۴ به فرمان شاه به نخست‌وزیری رسید و پس از تشکیل کابینه، بلافاصله برای معالجه، هسپاراروپا و عبدالله انتظام نایب نخست‌وزیر شد. در این ماه ۱۳۳۴ به مناسبت درگشایش سیدمصطفی کاشانی، مجلس ختمی در مسجد سلطانی برگزار بود که حسین علاء نیز در آن شرکت داشت و در همان زمان، مورد سوءقصد قرار گرفت. ضارب وی مظفر ذوالقدر از اعضای جمعیت فدائیان اسلام بود و به علت گیر کردن گلوله با اسلحه به سر علاء می‌زند که مختصر خونریزی و جراحت می‌کند؛ در دوران نخست‌وزیری او پیمان بغداد منعقد شد. حسین علاء در خرداد ۱۳۳۵ از نخست‌وزیری استعفا کرد که مورد امتیاز بود، بلکه امنیت متحدان دوست‌ناتمان بالاخره در فروردین ۱۳۳۶ از نخست‌وزیری استعفا کرد و دویله به وزارت دربار تعیین شد تا سال ۱۳۳۷ که به عنوان سناتور انتصابی از شیراز به مجلس راه یافت و یک سال بعد در سن ۸۳سالگی در تهران در گذشت. همسر وی فاطمه قراگزلو دختر ناصرالملک، نایب‌السلطنه احمدشاه بود.»

■ **سر و روی باند پیچی شده علاء**

■ **به مثابه نماد اعتراض ملت ایران!**

جدی‌ترین و پربازتاب‌ترین نماد اعتراض ملت ایران به امضای پیمان نظامی بغداد، تلاش جمعیت فدائیان اسلام برای مضروب ساختن حسین علاء و مانعان از سفر وی به بغداد بود؛ اقدامی که در عمل نافرجام ماند و ممانعی بر حضور نخست‌وزیر در اجلاس عراق، ایجاد نکرد؛ از سوی دیگر جامعه ایرانی متأثر از سرکوب و خشونت‌های فرمانداری نظامی تهران در مقطع پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ چندان به میدان این اعتراض نیامد و در این فقره، فدائیان اسلام تنها ماندند و نهایت با شهادت در نیمه شب ظلمانی ۵دی ماه ۱۳۳۴ بی‌آنی آن را پرداختند؛ مهدی جنگروی، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران در این باره آورده است: «بقا و هویت کودتای ۲۸ مرداد، شاه و دربار از بحرانی بزرگ عبور کردند. کمک‌های مالی امریکا، امکان نظامی‌گری را فراهم کرد و این گرایش، بعدها به مدد سرازیر شدن دلراه‌های نفتی به‌اوج رسید. پس از انعقاد قرارداد کنسرسیوم در سال ۱۳۳۲ و برکناری دولت کودتا، دویاره دربار رونق گرفت و شاه که گمان می‌کرد تنها راه غلبه بر مشکلات داخلی و بحران‌های منطقه‌ای نظامی‌گری است، اقتصاد نفتی ایران را معطوف به گسترش و توسعه تشکیلات نظامی و خرید تسلیحات کرد. حسین علاء، این آخرین حلقه از رجال استخواندار قاجار برای چنین روزی بر گزیده شده بود؛ کسی که به رغم گرایش آشکار به سیاست‌های انگلستان، چندی بود که در همراهی با قوام به امریکانزدیک شده بود. علاء به سبب نرمش در

عاریخ

تاریخ ۸۸۴۹۸۴۲۷



حسین علاء، امضای پیمان نظامی بغداد و پیامدهای داخلی و خارجی آن

استحکام جای پای انگلیس و امریکا

در ایران پس از کودتا

موضع‌گیری‌ها برای چنین روزی مناسب می‌نمود،

در آن سال‌ها بیش از آنکه امریکا از نفوذ شوروی در خاورمیانه نگران بوده باشد، جمال عبدالناصر به مثابه زبان مشترک اعراب، انگلستان را به وحشت انداخته بود؛ برای پیشگیری از نفوذ و گسترش نفهض مصر، ذوالقدر از اعضای جمعیت فدائیان اسلام در شبستان مسجد سلطانی، پژواک نفرت عمومی مردم از انگلستان بود. از بداقبالی ذوالقدر، گلوله در لوله گیر کرد و مجلس ختم سیدمصطفی کاشانی، وزیر امور خارجه امریکا علاء نشد. ذوالقدر که فرصت را از دست رفته می‌دید، سراسیمه بر سر و روی علاء پورش آورد. با این ترور نافرجام، پرونده ۱۰ساله یک گروه مسلح اسلامی بسته شد. سرانجام علاء با سر و روی باند پیچی شده که نشان اعتراض مردم به عضویت ایران در پیمان بغداد بود برای شرکت در کنفرانس به بغداد رفت. دو سال پس از انعقاد پیمان بغداد در سال ۱۳۳۶ حسین علاء وزیر دربار، خطاب به جان فاستر دالس، وزیر امور خارجه امریکا می‌گوید: همان طور که احتمالاً اطلاع دارید، بیشترین رقم هزینه کشور به تسلیحات نظامی اختصاص دارد! ما به عنوان عضو پیمان بغداد، این ضرورت را نه فقط در مورد امنیت خود، بلکه امنیت متحدان دوست‌ناتمان قلمداد می‌کنیم، در نتیجه از دوستان و همپیمانان خود هم می‌خواهیم که مسائل ما را درک کنند… درک مسائل ایران بیش از هر چیز به مفهوم اعطای وام‌های گوناگون به ایران بود…».

■ **وظیفه کشورهای عضو پیمان سنتو**

■ **در استفاده از جنگ‌افزارهای امریکایی**

پیمان نظامی بغداد و اعتراضات احتمالی به آن برای شاه و فرمانداری نظامی او در مقطع پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، فرصتی مغتنم بود که بقایای مخالفت با خویش را سرکوب کند. از نسوی دیگر، گامی به سوی توسعه زورمداری و افزایش قدرت نظامی پهلوی دوم بود که وی تصمیم داشت در پیش نوپدید پس از کودتا به

فریاد مظفر علی ذوالقدر از اعضای جمعیت فدائیان اسلام در شبستان مسجد سلطانی، پژواک نفرت عمومی مردم از انگلستان بود. از بداقبالی ذوالقدر، گلوله در لوله گیر کرد و مجلس ختم سیدمصطفی کاشانی، مصادف با موسم قوت علاء نشد!

ذوالقدر که فرصت را از دست رفته می‌دید، سراسیمه بر سر و روی علاء پورش آورد. با این ترور نافرجام، پرونده ۱۰ساله یک گروه مسلح اسلامی بسته شد



پس از انعقاد قرارداد کنسر سیوم در سال ۱۳۳۲ و برکناری دولت کودتا، دوباره دربار رونق گرفت و شاه که گمان می‌کرد تنها راه غلبه بر مشکلات داخلی و بحران‌های منطقه‌ای نظامی‌گری است، اقتصاد نفتی ایران را معطوف به گسترش و توسعه تشکیلات نظامی و خرید تسلیحات کرد. حسین علاء، این آخرین حلقه از رجال استخواندار قاجار برای چنین روزی بر گزیده شده بود؛ کسی که به رغم گرایش آشکار به سیاست‌های انگلستان، چندی بود که در همراهی با قوام به امریکانزدیک شده بود. علاء به سبب نرمش در موضع‌گیری‌ها برای چنین روزی مناسب می‌نمود…

پیگیری آن بپردازد، با این همه این رویداد هم در عرصه سیاسی و نظامی ایران و هم در دیگر کشورهای عضو از جمله عراق، واکنش‌های نمایانی داشت که در مقال علی احمدی‌فراهانی، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران به آن پرداخته شده است: «در بین مردم ایران، پیمان نظامی بغداد با توجه به مبارزاتی که در خلال جریان نهضت ملی نفت بر علیه انگلیس انجام شده بود، چندان خوشایند نمی‌نمود. آزادخواهان و وطن‌پرستان، این اقدام را مورد نکوهش قرار دادند. از این میان شهید سیدمجتبی نواب‌صفوی و جمعیت فدائیان اسلام بودند که بلافاصله در مقابل این اقدام عکس‌العمل نشان دادند و فوراً نقشه قتل حسین علاء، نخست‌وزیر وقت را پی‌ریزی کردند. بدین ترتیب یکی از اعضای فدائیان اسلام به نام مظفر علی ذوالقدر، مأمور اجرای این نقشه شد و در روز ۲۵ آبان ۱۳۳۴، هنگامی که حسین علاء در مسجد شاه در مجلس سیدمصطفی کاشانی نماینده مجلس و فرزند آیت‌الله کاشانی حضور یافت، مورد سوء قصد قرار گرفت، ولی گلوله از لوله اسلحه خارج نشد و ضارب با دسته اسلحه، محکم بر سر علاء کوبید و او را به سختی از ناحیه سر مجروح ساخت. حسین علاء، فرادای آن روز در حالی که سرش باند پیچی بود برای شرکت در کنفرانس پیمان بغداد عازم عراق شد. فرماندار نظامی تهران در همان روزه، دستور پیگیری فدائیان اسلام را صادر نمود و در اول آذر ۱۳۳۴ش، سیدمجتبی نواب‌صفوی، رهبر جمعیت فدائیان اسلام و اعضای اصلی آن از طرف مأموران فرماندار نظامی بازداشت و در دادگاه نظامی محاکمه و نهایتاً به اعدام محکوم گشتند. به دنبال این جریان، آیت‌الله کاشانی مبارز نستوه، دکتر مظفر قباپی، محاکمه و نهایتاً به اعدام محکوم گشتند. به دنبال این شرکت در ترور رزم‌آرا بازداشت شدند. آیت‌الله کاشانی در جریان بازرسی، صریحاً اظهار نمودند که من معتقد جامع‌الشرایط هستم و تشخیص دادم رزم‌آرا مهورالم است، لذا فرمان قتل او صادر نمودم… اندکی بعد رژیم به دلیل بحران‌سوی بودن اوضاع، آیت‌الله کاشانی، دکتر قباپی و سایر بازداشت‌شدگان را آزاد نمود. بازتاب‌های این پیمان نظامی تنها در ایسران خودنمایی نکرد، بلکه

پیامدهایی نیز در سایر کشورهای عضو داشت. در کشور عراق، ناراضیاتی مردم از رژیم خودکامه حاکم بر آن و عضویت در پیمان بغداد، رنگ و بوی شدیدی داشت، به طوری که این ناراضیاتی، منجر به قیام و سرانجام کودتای ۱۴ ژوئیه ۱۹۵۸م (۲۲ تیر ۱۳۳۷ش) گردید. ملک فیصل، پادشاه عراق و عده زیادی از مقامات آن کشور به قتل رسیدند، رژیم سلطنتی در عراق باطل و رژیم جمهوری برقرار شد و دولت جدید عراق، خروج این کشور را از پیمان بغداد اعلام نمود؛ این امر موجب خشون‌وی روسه گشت، اما به رغم آن، پیمان بغداد منحل نشد؛ به نام پیمان سنتو به انکار منتقل گشت… پس از الحاق ایران به پیمان بغداد، چون تجهیزات و چهارات جنگی کشورهای عضو پیمان باید کسبان می‌شد، تغییرات دامنه‌داری در ارتش ایران داده شد و سازمان جدیدی تحت نظر و مشورت مستشاران نظامی امریکایی پی‌ریزی گردید. تشکیلات ارتش ایران تغییر کرد و پنج‌سنگی به جای لشکرهای سابق ایجاد گشت، به طوری که به جای ستاد ارتش، ستادهای نیروی زمینی و هوایی و ستاد کل تشکیل گردید و تمامی کشورهای عضو موظف شدند در ارتش جدید از اسلحه و سلاح‌ها و مهمات امریکایی استفاده نمایند؛ دولت امریکا جهت دستیابی دول فوق به این تشکیلات و طی چند دوره، کمک‌های بلاعوض و وام‌های گران‌قیمت در اختیار ایران نهاد. به این ترتیب در اول شهریور ۱۳۳۴ش، ستاد ارتش ایران از تسلیحات جدیدی که مقتبس از سازمان نظامی امریکا بود، آغاز کار کرد. سیهید عبدالله هدایت به ریاست ستاد مشترک و سرلشکر هدایت گیلان‌شاه به ریاست ستاد هوایی منصوب شدند. سرلشکر میرجلالی معاونت ستاد مشترک و سرلشکر احمد وثوق سمت وزارت جنگ را بر عهده گرفتند. در پانزدهم همان ماه در ستاد ارتش، ادارهای به نام اطلاعات تشکیل شد. این اداره همه روزه اخبار محرمانه نیروهای سه‌گانه را جمع‌آوری و تسلیم نئین ستاد می‌نمود. به دنبال این تغییرات، امریکا در دوم تیر ۱۳۳۵ش، چهار هواپیمای جت و در ۳۰ تیر، ۲۰ عژانه توپ ۹۰ میلیمتری از محل کمک‌های نظامی امریکا به ایران داد و به کشورهای عضو پیمان سنتو نیز وعده ارسال کمک‌های نظامی داده شد.»

پیش‌خواب

وقایع محرم سال ۱۳۵۷ در آئینه اسناد و تحلیل‌ها

عزاداری حسینی محمل اوج‌گیری انقلاب اسلامی

■ **محمدرضا کاتبینی**



برخی مؤسسات تاریخ‌پژوهی کشورمان به آن پرداخته‌اند. اثر تاریخی- پژوهشی «محرم ۱۳۵۷ در آئینه اسناد» در زمره تحقیقاتی از این دست بوده که توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی نشر یافته است. ناشر در دیپاچه خویش بر این اثر در باب محتوای آن چنین آورده است: «انقلاب اسلامی ایران همان‌گونه که از عنوان اسلامی آن برمی‌آید، ریشه‌ای کاملاً اسلامی و مبتنی بر آموزه‌های دینی و مذهبی دارد. نهضت اسلامی در سال ۱۳۳۲، همزمان با ماه محرم آغاز گردید و امام خمینی با بهره‌گیری از فضای معنوی محرم، مردم مسلمان ایران را برای رویارویی با اقدامات ضدمذهبی رژیم پهلوی به صحنه مبارزات کشاند، به ویژه آنکه در جریان مبارزات، جنایات رژیم با وقایع کربلا و مصائبی که به اهل بیت(ع) رفته بود، تطبیق داده می‌شد. به‌طور مثال، حمله به مدرسه فیهضیه قم به غارت خیام تشبیه می‌گردید. در سال‌های تبعید امام خمینی(ره) از ایران و با گسترش خفقان حاکم بر جامعه، ساواک قبل از فرارسیدن ایام ماه مبارک رمضان، محرم و صفر با انتشار اسامی کسانی که نمی‌توانستند به مشرب بروند از فعالیت روحانیان و وعاظ مبارز جلوگیری می‌کرد؛ با این حال شاگردان امام همواره خود را موظف به روشنگری جامعه می‌دانستند. در پی حوادث سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ که با رجعت غریبانه حاج‌آقا مصطفی خمینی آغاز گردید و در ۱۷شهریور



■ **نمای از راهپیمایی تاسوعای حسینی در میدان آزادی تهران**

مؤلف در ادامه این مقدمه، چند و چون تنظیم و تدوین این اثر را به قرار ذیل شرح داده است: «تحقیق دارای دو بخش می‌باشد: بخش اول مدخل پژوهشی است که خود از سه فصل تشکیل شده است. در فصل اول که نگاهی اجمالی به عزاداری محرم در طول تاریخ و تأثیر آن بر تحولات سیاسی نام دارد به بررسی سیر اجمالی برگراری عزاداری سیدالشهدا(ع) از آغاز تا سال ۱۳۵۷ می‌پردازد و خود از دو قسمت تشکیل شده است. در فصل دوم به بررسی روزانه تحولات درگیری‌ها و اتفاقات ماه محرم ۱۳۵۷ از ابتدا تا انتها به خصوص دو تظاهرات تعیین‌کننده روزهای تاسوعا و عاشورا در سرتاسر کشور، پرداخته و سعی شده با ارائه جزئیات برای خوانندگان، اهمیت حوادث این ماه در سرنگونی رژیم و پیروزی انقلاب ترسیم شود. از آنجایی که روزاربعین یادآور به‌طور طبیعی دنباله حوادث ماه محرم محسوب‌نمود، در انتهای فصل به تظاهرات این روز در تهران و دیگر نقاط کشور پرداخته شده است. در فصل سوم – که فصل پایانی بخش اول این پژوهش محسوب می‌گردد- به پیامدهای ماه محرم در حوادث انقلاب پرداخته شده است و تأثیر آن را در حوادثی چون شکست دولت نظامی مهم‌ترین این مقاطع که تأثیر شگرفی در پیروزی انقلاب اسلامی و سرنگونی رژیم سلطنتی در ایران داشت، ماه محرم است. در این ماه حرکت انقلاب، متأثر از حرکت انقلابی و بزرگ امام حسین(ع)، شتاب بیشتری گرفت و با تجمع مردم در مساجد برای برگزاری عزاداری سیدالشهدا(ع) و یارانش، انقلابیون به خصوص واعظین، خطبا و روحانیان انقلابی، توانستند با ایراد خطبه و سخنرانی‌های متعدد، پیام امام و انقلاب را به آنها برسانند و آنها را آگاه نمایند و مردم را در راه مبارزه علیه رژیم پهلوی، ثابت‌قدم سازند و مردم نیز با تاسی از فدائاری امام حسین(ع) و یارانش در روز عاشورا، برای فداکاری در راه انقلاب و حتی شهادت در این راه، مهمات ترشدند. این آمادگی را می‌توان در تظاهرات و درگیری‌هایی که در این ماه میان